

ایران

• **صاحب امتیاز:**
خبرگزاری جمهوری اسلامی

• **مدیر مسئول:**
صادق حسین جابری انصاری

• **سردبیر:**
هادی خسروشاهین

• **مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران**

• **رئیس هیات مدیره:** صادق حسین جابری انصاری

• **مدیرعامل:** علی متقیان

• **دفتر:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ • شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مشتریان: ۸۸۷۶۸۸۰۰

• **پایامک:** ۳۰۰۴۵۱۱۳ • روابط عمومی • صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸

• **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • **توزیع:** نشر گستر امروز • **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری و مؤسسه جام جم

• **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دوازده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ • شرکت NISCERT

• **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷ • **انتشارات مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۰۴۱۱۳

• **امام رضا (ع):**
سخن‌روز

بهترین مال آن است که آبرو با آن محفوظ بماند.

گزیده حکمت‌نامه رضوی، ص ۵۲۸

گزارش «ایران» از نمایشگاه خوشنویسی خط وطن

وقتی قلم از وطن می نویسد



عاشق‌ها، روزایط عمومی برج آزادی

گزارش

سعیده احسانی‌راد
گروه فرهنگی

به «ایران» گفت: «خلق اثر هنری، به‌ویژه در عرصه خوشنویسی نیازمند تمرکز مطلق است. این نمایشگاه، حاصل پنج سال تلاش بی‌وقفه و مستمر من است؛ پنج‌ساله که تنها با عشق و عرفان و صرف رنج و جان و تعهد به وطن پیش رفت.»

او با بیان اینکه اگر امروز از مقاومت سخن می‌گوییم، مراد ما مقاومتی است که به سوی صلح جهت‌گیری شده، اظهار کرد: «ایستادگی باید خروجی اش دست‌یابی به «صلح درون» باشد تا از این طریق بتوانیم در سایه‌سار آن، آرامش لازم برای خلق اثر هنری را بیابیم. هنرمندی که داعیه تعهد به جامعه را دارد، رسانشش ثبث عشق به میهن در نقش قلم و سپردن آن به کاغذ است، اما حقیقت آن است که در شرایط دشوار، این فرآیند با موانع سترگی روبه‌رو است.»

تیموری درباره تفاوت این نمایشگاه با نمایشگاه‌های قبلی خود گفت: «تاکنون ۲۱ نمایشگاه انفرادی در داخل و خارج از کشور داشته‌ام که همگی در شرایطی آرام برگزار شدند، اما نمایشگاه «خط وطن» به عنوان منزلگاه بیست‌ودوم تجربه‌ای کاملاً متفاوت بود. این نمایشگاه نه یک رویداد معمول،



که یک ایستادگی روحی بود. گویی در تمام لحظات آماده‌سازی و انتقال قاب‌ها به دیوار چیده‌مان آثار، همواره حسسی از آماده‌باش داشتم. این شرایط سخت، سرشار از هیجان و شور و حال بود. براین اساس، ارزش معنوی این آثار که مزین به نام وطن و ایران عزیز بود، برای من دوچندان شده است. «به شاهد فرهنگ دارم. ما در دفاع مقدس، شاهد بودیم که شعرهای جنگ، با قلم هنرمندان خوشنویس جان می‌گرفت. خود من افتخار داشتم که در جبهه‌ها، با نوشتن شعرهایی چون «ایران ره عشق را گشودند» در فتح فاو، و با نقش زدن شعارهای محوری بر جبهه‌های مهمات و تخته‌ها، جلوه‌ای از هنر خوشنویسی را به نمایش بگذارم. این اقدامات، نه تنها انگیزه رزمندگان را تقویت می‌کرد، بلکه نشان داد که هنر خوشنویسی می‌تواند در بنطن تحولات اجتماعی، حضوری مؤثر و الهام‌بخش داشته باشد. در پشت جبهه نیز پارچه‌نویسی و دیوارنویسی‌ها، نیازهای تبلیغاتی را به خوبی مرتفع می‌کرد. اینها تلاش‌های ارزنده خوشنویسانی بود که شماری از آن‌ها در مصاف با دشمن به شهادت رسیدند.»

او با اشاره به دغدغه‌هایش درباره ایران دوستی و اهمیت هنر در تقویت عشق به وطن گفت: «مفهوم ایران، سرمایه‌ای بزرگ و قدرتمند است. هنرمندی که دغدغه میهن دوستی دارد، این عشق را در تار و پود وجود دوستی می‌کند. بنده از حدود ده سال پیش، با مطالعه گسترده اشعار و سروده‌های ناب درباره ایران، حتی تک‌مصرع‌های کلیدی و اثرگذار، شروع به جمع‌آوری و احصای آنها کردم. این دغدغه، به تدریج در وجود لریز شد و احساس کردم زمان آن رسیده که این مفاهیم را با خط خوش نقش و خوش‌منش نستعلیق به نگارش درآورم. بنابراین از سال ۱۳۹۹ به خوشنویسی این اشعار اهتمام شد.»

او ادامه داد: «برای هر تابلو، به طور متوسط یک ماه و نیم وقت صرف شده است. در پنج سال گذشته، به‌طور میانگین هر دو تا سه ماه، یک یا دو تابلو با مضمون ایران نگاشته‌ام. سعی کرده‌ام که کارها در عین قوت، مختصر و مفید باشند؛ تک‌مصرع‌ها و تک‌بیت‌های نام‌آشنایی که به سرعت در ذهن بیننده جای گیرند و نگارشی نو ایجاد کنند. هدف اصلی من از این کار، از طریق کتابت و قطعه‌سازی، ایجاد تغییر در نگرش مخاطبان نسبت به عشق و علاقه به ایران بوده تا حس مسئولیت‌پذیری و وطن دوستی در آنها افزایش یابد. یادآور می‌شوم کار تذهیب آثار مربوط به ایران، توسط تذهیب‌کار توانا رفعت‌السادات موسوی و همراهی همسرشان

• **وطن، سنگری است که باید از آن دفاع کرد و با زبان بلوغ هنر در تقویت و استحکام این سنگر کوشا بود.**

• **نمایشگاه خط وطن، آیت و آینه‌ای است برای وطن در خط کاری که حماسه و زیبایی را در کنار هم روایت می‌کند**

در حاشیه رویداد «خط وطن: هنر، زبان همدلی و حافظه ملی»، سیدمحسن حسینی، رئیس مجموعه فرهنگی هنری برج آزادی در همراهی با جامعه در لحظات حساس پرداخت و گفت: «مرور رویدادهای هنری مجموعه برج آزادی، به چگونگی شکل‌گیری یک اثر موسیقایی مرتبط با فاجعه مدرسه شجره طیبه میناب منجر شد. «حسینی در تبیین رویداد این مجموعه نسبت به طراحی و اجرای رویدادهای فرهنگی، بر نگاه چندرسانه‌ای به مقوله نمایشگاه تأکید کرد: «سیاست مجموعه بر آن استوار بوده که آثار هنری صرفاً در قالب یک بیان تجسمی دوبعدی ارائه نشوند، بلکه مخاطب در مواجهه با یک رویداد، همزمان امکان تجربه نقاشی، پرفورمنس، نمایش و موسیقی را داشته باشد. این رویکرد، به تدریج موجب ارتقای کیفیت نمایشگاه‌ها و شکل‌گیری تجربه‌ای عمیق‌تر، زنده‌تر و اثرگذارتر برای بازدیدکنندگان شده است. «حسینی با اشاره به فاجعه جان‌سوز میناب و شهادت دانش‌آموزان مدرسه شجره طیبه، این حادثه را اندوهی ماندگار در حافظه جمعی ملت ایران توصیف کرد؛ داعی که به‌سادگی از دل‌ها زوده خواهد شد. «این رویداد تلخ، مفهوم «بنی آدم اعضای یک پیکرند» را به شکلی عینی و ملموس در جامعه متجلی ساخت و

سیدمحسن حسینی، رئیس مجموعه فرهنگی هنری برج آزادی:

رسالت هنر با زتاب رنج مردم است

واکنش‌های عاطفی گسترده مردم، گواهی روشن بر عمق این همدلی ملی بوده است. رئیس مجموعه فرهنگی هنری برج آزادی در ادامه، با طرح نقش و مسئولیت هنرمند در چنین بزنگاه‌هایی، تأکید کرد: «رسالت هنر، همراهی با جامعه در لحظات دشوار و بازتاب رنج‌های انسانی از طریق زبان خلاقه است. از همین منظر، بنیاد فرهنگی هنری رودکی در همان ساعات و روزهای ابتدایی پس از حادثه، تولید یک اثر موسیقایی با محوریت شهدای مدرسه شجره طیبه میناب را در قالب پروژه‌ای رسمی تعریف کرد. این اثر با آهنگسازی حسام صدقی نژاد و شعری از منصوره محمدی شکل گرفت و اجرای آن نیز بر عهده اینجانب قرار گرفت.» این اثر موسیقایی در ادامه در قالب یک پرفورمنس و اجرای صحنه‌ای در مجموعه فرهنگی هنری برج آزادی به نمایش درآمد تا بتواند بخشی از بار عاطفی این فاجعه را در حد توان مجموعه، به مخاطبان منتقل کند. حسینی در تشریح فضای اجرا، به حادثه ترک خوردگی و شکست یکی از شیشه‌های برج آزادی در پی موج انفجار اشاره کرد و توضیح داد: «این شکستگی، به‌عنوان نمادی عینی از رخداد، به‌صورت آگاهانه در طراحی صحنه حفظ و مورد استفاده قرار گرفت تا تاجر واقع‌گرایانه‌تر و تأثیرگذارتر جلوه کند.»



به‌ویژه هنرمندان تجسمی، بسیار خطیر است. نباید بی‌تفاوت بود. همان‌طور که هم‌اکنون بزرگان مملکت و مدیران، در پشت سنگر وطن ایستاده‌اند، هنرمندان نیز باید نقش خود را به‌خوبی در نسبت با وطن ایفا کنند. «با در نظر گرفتن همه مؤلفه‌های رفیع و مهم، باید گفت در مقطع کنونی، یکی از مهم‌ترین عوامل همبستگی اجتماعی، عشق به وطن است. وطن، سنگری است که باید از آن دفاع کرد و با زبان بلوغ هنر در تقویت و استحکام این سنگر کوشا بود. نمایشگاه خط وطن، آیت و آینه‌ای است برای وطن در خط کاری که حماسه و زیبایی را در کنار هم روایت می‌کند.»

انجام پذیرفت که جای تقدیر دارد. «او همچنین دربار رسالت هنرمندان تجسمی در شرایط جنگ گفت: «معتقدم اگر هنرمندان در قالب‌های مختلف (فیلم، نمایشنامه، تئاتر، هنرهای تجسمی و...) در این زمینه کار کنند و باعث شوند جوانان و مردم نسبت به سرمایه بزرگ اجتماعی یعنی «عشق به وطن» دل‌بستگی پیدا کنند، این کار به‌طور حتم موجب خوشحالی و وجد خواهد بود، چرا که اگر ما در این زمینه فعالیت نکنیم، عوامل رقیب این‌ها را با مسائل دیگر بر خواهند کرد. در کفه ترازو، هیچ چیز با عشق به وطن برابری نمی‌کند. در شرایط جنگ، رسالت هنرمندان،

رفعت‌السادات موسوی، نگارگر:

خوشنویسی با نگارگری چشم‌نوازتر می‌شود

نگارگری به دیده شدن خوشنویسی بیشتر کمک می‌کند و بیننده را ترغیب می‌کند تا با علاقه بیشتری آثار یک نمایشگاه خوشنویسی را دنبال کند. در رقعت‌السادات موسوی چشم‌نوازی آثارهای خوشنویسی را دوچندان کرده است. موسوی درباره رابطه خوشنویسی و نگارگری گفت: «زننگارگری همان تذهیب است و به دو شکل قابل اجراست. یک زمانی نگارگر زنگاری را مستقل‌آ اجرا می‌کند و در موقعیتی دیگر زنگاری کنار خوشنویسی قرار می‌گیرد.»

این نگارگر ادامه داد: «وقتی یک اثر خوشنویسی به دست من می‌رسد، اولین قدم این است که بیننده پیش از هر چیز خود خوشنویسی را ببیند. یعنی تمام تلاشم این است که خط زیباتر و آراسته‌تر جلوه کند، نه اینکه در میان رنگ و نقش پنهان شود. هدف اصلی تزئین نیست، بلکه بیان ناگفته‌های خوشنویس از راه رنگ، فرم و فضا است.» به اعتقاد این نگارگر،

• **بش**

زمانی که اثری را مستقل طراحی می‌کنم و خوشنویسی در کار نیست، طبیعتاً تمام مسئولیت زیبایی و ترکیب اثر بر عهده خود نگارگر است. اما در حضور خط، همین عناصر بصری باید در خدمت دیده شدن خوشنویسی باشند. موسوی بیان کرد: «افتخار داشتم از استادان بزرگی چون روانشاد بیوک احمری و محمدباقر آقامیری که از مفاخر هنر نگارگری ایران و جهان هستند، تعلیم بگیرم. همچنین از آموزه‌های جمال پور و دیگر بزرگان این رشته بسیار استفاده کرده‌ام. به‌باور من، هر هنرمند حاصل مجموعه‌ای از آموخته‌های استادیت و اکتشاف شخصی خودش است. دیدن آثار هنری دیگران و مطالعه ادبیات و ارتباط با هنرهای گوناگون باعث می‌شود ذوق و زبان بصری هنرمند شکل بگیرد، این هنرمند درباره یک اثر نگارگری خوب توضیح داد: «برای نگارگر شدن فقط فن و تکنیک کافی نیست و نگارگری فقط دانستن فرم و رنگ نیست؛ طراحی نیز بسیار مهم است. هنرمند باید جست‌وجوگر باشد،

حتی کمی شیطنت هنری داشته باشد، او باید مدام ببیند و از دیدن و آموختن خسته نشود. آنچه در جان انسان نه‌نشین می‌شود، زمانی که قلم روی کاغذ می‌نشیند خودش را نشان می‌دهد، بی‌آنکه بدانی از کجا آمده است.» او درباره جایگاه زنان در نگارگری گفت: «در مورد حضور بانوان باید بگویم که در هنر نگارگری نقش زنان بسیار پررنگ و تأثیرگذار است. آثارشان خیال‌انگیزتر و لطیف‌تر است. نگارگران مرد هم بسیار ظریف و فاخر کار می‌کنند، آنچه مهم است ذهن خلاق و دست نرم است نه حسیت.»

موسوی درباره وضعیت هنر نگارگری هم اظهار کرد: «در زمینه آموزش، خوشبختانه شاگردان خلاق و علاقه‌مند کم نیستند هنوز جوانانی داریم که زیبایی را می‌بینند و ذوق و استعداد بالایی دارند اما متأسفانه هیچ‌گونه حمایتی از آنها نمی‌شود. من تا جایی که بتوانم تلاش می‌کنم اولین شاگردانم برای شاگردانم باشد و آنها را به مسیر کار هدایت کنم، اما واقعیت این است

• **هنرمند باید جست‌وجوگر باشد، حتی کمی شیطنت هنری داشته باشد، او باید مدام ببیند و آموختن خسته نشود**

شده به همان اندازه غلیان احساسی غلیظ نیز که «ای وای نکاه از وجودم رفت» و از این روی می‌تواند (و بلکه باید) مهم است که این تابلو قرار است کجا برود در منزل و دفتر چه کسی؟ چون نکاه از وجودم را قرار است بسپارم به یک نفر دیگر، نکاه که بخشی از زندگی و کار من است. موسوی تصریح کرد: «بخش

دیگر سفارش‌هایی است که وجود دارد، طبیعتاً هر هنرمند زنگاری می‌خواهد با خط خوب کار کند، خط آراسته البته از آن مهم‌تر بیان وکلام شیوا شعری زیبا و مفهوم عمیق و فوق‌العاده که هر دو خیلی اهمیت دارد. در کنار اینها، شخصیت فرد سفارش‌دهنده نیز بسیار مهم است. بدین و خدا و به‌طور کلی برانگیزد. استاد شهید چنین طرز تفکری را «اندیشه‌های خطرناک و گمراه‌کننده» می‌نامد «که در گرایش گروهی به ماتریالیسم سهم بسزایی دارد» و البته «از نظر اسلام، درست‌امر برعکس آن اندیشه است.»

انجام سفارش برام دلچسب‌تر می‌شود. همچنین وقتی با هنرمند خوشنویسی که اعتماد و سلیقه متقابل بین ما هست و آزادتر هستم روی اثرشان کار کنم، طبیعتاً کار برای من و ایشان دلچسب‌تر است و وقتی سفارشی‌کاری به خودم سپرده شود که رنگ، طرح و کار و فرمی را برای کارشان تعیین می‌کنم، اگر هر کدام از اینها می‌شود که سریع‌تر سراغش بروم و ذوق و طبع هنرمند را یک‌دگر آزمایش کنم.»

اصول حاکم بر حقوق شهروندی در آثار شهید مطهری

درس‌هایی از سیاست و حقوق در حکمرانی دینی (۱۸)

یکی از مهم‌ترین پرسش‌هایی که هر یک از فلسفه‌های سیاسی، از جمله فقه و کلام سیاسی ما مسلمانان، باید به آن پاسخ دهند، جایگاه مردم و نقش آنان در منظومه فکری حکومت و حقوق و آزادی‌هایی است که از آن برخوردار هستند. این پاسخ‌ها هم‌سجش میزان موفقیت یک فلسفه سیاسی را ممکن می‌سازد و هم ارزیابی مقبولیت یک نظریه حکمرانی مبتنی بر آن را. همان‌گونه که پیش از این گفته شد، میرزای نایینی مبنای تقسیم‌بندی نوآورانه خویش از نظام‌های سیاسی را بر همین اساس بنیان نهاد و آنها را به دو نوع «سلطنت‌تملیکی» و «سلطنت ولایتی» تقسیم کرد؛ به گونه‌ای که نوع سومی برای آن متصور نیست!

اینک در سالروز شهادت مهم‌ترین نظریه‌پرداز نظام جمهوری اسلامی ایران، استاد شهید مرتضی مطهری (ره)، اشاره به تبیین و تکمیلی که بر نوآوری نایینی داشته، بی‌مناسبت نیست. ایشان به عنوان مقدمه نوشت: «احتیاجات بشر در آب و نان و جامه و خانه خلاصه نمی‌شود. یک اسب یا یک گاو برتر از می‌تواند



محسن اسماعیلی
معاون راهبردی
و امور مجلس رئیس‌جمهور

شئون آشنایی به حقوق این است که تنها به آشنایی و معرفت حقوق اکتفا نشود، بلکه یک نوع حس و غیرتی فوق‌منافع مادی در افراد پیدا شود نظیر حس دفاع از ناموس... از این بالاتر اینکه حقوق، مقدس شناخته شود و فدا شدن برای حق، فداشندن در راه خدا و در راه عالی‌تر تلقی شود.» از همین جاست که استاد مطهری به انتقاد از روش تبلیغی و آموزشی رایج می‌پردازد و تأکید بر حقوق در کنار تبیین حدود را توصیه می‌کند و معتقد است افراط در هر یک زیانبار است و باید به سوی تعادل میان حقوق و حدود شتافت. می‌نویسد: «فرق ما و نوشته‌های آنان جنبه تحسیر داشت و نوشته‌های ما جنبه تحریک است. آنان خطیب بودند و ما واعظ... وعظ می‌خواهد وجدان اخلاقی را تقویت کند و به کمک نفس لواهم بشتابد، بر خلاف خطابه که می‌خواهد حس غیرت و دفاع از حقوق را که غریزی هر انسان است برانگیزد. وای به حال جامعه‌ای که فقط وعظ و آتشا کردن به حدود داشته باشد یا فقط خطابه و آتشا کردن به حقوق.»

در سطح افکار عمومی ظاهر شود. «شهید مطهری به یک نمونه تاریخی هم اشاره می‌کند: «درست در مرحله‌ای که استبدادها و اختناق‌ها در اروپا به اوج خود رسیده بود و مردم آن اندیشه بودند که حق حاکمیت از آن مردم است، از طرف کلیسا یا طرفداران کلیسا می‌دادند و خدا و به‌طور کلیسای این فکر عرضه شد که مردم در زمینه حکومت فقط تکلیف و وظیفه دارند نه حق. همین کافی بود که تشنگان آزادی و دموکراسی و حکومت رابر ضد کلیسا، بلکه بر ضد دین و خدا و به‌طور کلی برانگیزد.» استاد شهید چنین طرز تفکری را «اندیشه‌های خطرناک و گمراه‌کننده» می‌نامد «که در گرایش گروهی به ماتریالیسم سهم بسزایی دارد» و البته «از نظر اسلام، درست‌امر برعکس آن اندیشه است.»

۲- اعتقاد به حق نقد و مطالبه‌گری شهروندان: از نظر شهید مطهری، هر انسانی که پا به این جهان می‌گذارد، چون انسان است دارای حقوقی است و از این روی می‌تواند (و بلکه باید) آنها را مطالبه کند و در برابر تضییع آنها ساکت نماند. او می‌پرسد: «چگونه می‌توان مقاومت در برابر تضییع مال را جهااد و فدا شدن برای آن را شهادت نامید، اما برای تضییع حقوق و آزادی‌ها چنین حکمی صادر نکرد؟!؛ ایشان حتی جهااد ابتدایی را نیز نوعی دفاع از حقوق انسان‌ها دانسته و شهروندی را در نظر اسلام تصریح کرده است. به نظر وی: «اسلام به حقوق فطری و عدالت تکوینی قائل است» و حتی «اسلام، آزادی را فو حق می‌داند. او به کرامت انسان باور عمیقی دارد و آدمی را، از آن جهت که انسان است، دارای حقوق فطری می‌داند و از این بابت اعلامیه جهانی حقوق بشر را قابل ستایش و البته نیازمند نقد می‌نماید. استاد، مقدمه این اعلامیه را دربردارنده «جمله‌های گزاره در کتاب سیری در نهج البلاغه، هشدار اعلامیه حقوق بشر این است که انسان از یک نوع حیثیت و شخصیت ذاتی قابل احترام برخوردار است و در متن خلقت و آفرینش یک سلسله حقوق و آزادی‌ها به او داده شده است که به هیچ‌حقوقی سلب و انتقال نمی‌باشند.»

دیگری باشد، این حکمران است که برای توده محکوم است نه توده محکوم برای حکمران.» با سیری در مجموعه آثار و یادداشت‌های استاد شهید مطهری می‌توان این نظریه و اصول حاکم بر حقوق شهروندان از نگاه او را چنین خلاصه کرد:

۱- اعتقاد و التزام عملی به حقوق شهروندان: در حالی که برخی تمایل به پذیرش «حقوق» ندارند و فقط سخن از «حدود» و «تکالیف» می‌گویند، استاد مطهری در موارد متعدد بر اعتبار حقوق بشر و شهروندی از نظر اسلام تصریح کرده است. به نظر وی: «اسلام به حقوق فطری و عدالت تکوینی قائل است» و حتی «اسلام، آزادی را فو حق می‌داند. او به کرامت انسان باور عمیقی دارد و آدمی را، از آن جهت که انسان است، دارای حقوق فطری می‌داند و از این بابت اعلامیه جهانی حقوق بشر را قابل ستایش و البته نیازمند نقد می‌نماید. استاد، مقدمه این اعلامیه را دربردارنده «جمله‌های گزاره در کتاب سیری در نهج البلاغه، هشدار اعلامیه حقوق بشر این است که انسان از یک نوع حیثیت و شخصیت ذاتی قابل احترام برخوردار است و در متن خلقت و آفرینش یک سلسله حقوق و آزادی‌ها به او داده شده است که به هیچ‌حقوقی سلب و انتقال نمی‌باشند.»